

# کنفرانس فراهم سازی محیط مناسب

سهام گیری موثر سکتور خصوصی در انکشاف افغانستان

## مسئولیت مشترک اجتماعی: تجارت و جامعه مدنی مشترکاً کار مینمایند

سند معلوماتی برای کنفرانس فراهم سازی محیط مناسب تهیه شده است توسط:

### مرکز بشردوستانه پاکستان

اجتماعی اکثراً بنا بر عوامل بازدارنده ذیل پراکنده و بدون ساختار باقی مانده است.

- عدم مساعد بودن محیط مقرراتی
- عدم اعتماد، جوابگویی و شفافیت
- عدم موجودیت میکانیزم های اداره وی منظم
- عدم هماهنگی و مشارکت موثر
- عدم موجودیت تحقیقات منظم و ادارات رشد ظرفیت

بسیج نمودن عوامل بالقوه جهت سهمگیری سکتور خصوصی در انکشاف اقتصادی و اجتماعی کشور میتواند افغانستان را در فائق آمدن به وابسته گی شدید به کشورهای کمک کننده کمک نماید و آنرا در یک مسیر انکشاف خود مختار و دوامدار یاری برساند.

- در صورتیکه یک محیط مساعد و سهلتر برای مشارکت جامعه مدنی خصوصی فراهم گردد، یک تمایل قابل دید و تشویق کننده میان مردمان محلی و خارجی نسبت به از دیداد کمکهای بشردوستانه جهت انکشاف اقتصادی و اجتماعی وجود دارد. بطور مطلوب، چنین محیط مناسب ذیلاً توصیف میگردد:
- ثبات سیاسی و اعتماد نسبت به آینده
- اعتماد و تفاهم دوجانبه، گفت و شنود آزاد و همکاری میان شرکا
- حاکمیت قانون، حراست از حقوق شهروندان و یک تنوع ادارات ثابت و دیموکراتیک
- یک چارچوب موثر قانونی، مالی، مقرراتی و اداری که تمام عرصه های ابتکار خصوصی را که بطور پیش بینی شده، سازگار و بیطرفانه تطبیق میگردند کنترل نماید.

### 1. خلاصه اجرایی

فرصتها برای سازمانهای های جامعه مدنی و موسسات تجاری جهت نیل به اهداف مشترک و آرزوهای انفرادی از طریق کار مشترک بی سابقه است. انتظار بیشتر می رود که چنین همکاریها، از گفت و شنود ابتدائی گرفته تا به مشارکت فعال و کاری، راه حل هایی را برای بعضی از مشکلات نهایت عمده انکشافی جهان ارائه بدارد.

این سند وسعت و ماهیت چنین مشارکت بالقوه را در شرایط افغانستان بررسی نموده، مسائل و پیشنهادات کلیدی را مورد بحث قرار میدهد. این پیشنهادات بر اساس سروی ساحوی در افغانستان و تحلیل تجارب بین المللی که بنمطور تصمیم گیری در مورد امکانات و اجراءات بهتر برای تحقق یک محیط مناسب برای ارائه خدمات بشردوستانه و ابتکارات خصوصی در افغانستان صورت گرفته میباشد.

مشارکت ها زمانی صورت خواهد گرفت که:

- موسسات تجاری کارکردن با سازمانهای های جامعه مدنی برای منافع عامه را به نفع شان ببینند.
  - نهادهای جامعه مدنی منحصیث نهاد های قابل اطمینان و شایسته اعتماد موسسات تجاری را به خود جلب نمایند.
  - ادارات و نهاد های وجود دارند که چنین مشارکت ها را تحقق و ظرفیت آنها را بلند میبرند.
  - حکومت محیط قانونی و مالی که هر دو طرف را به مشارکت تشویق نماید مساعد سازد.
- مطالعه دریافت که تصور و روش بشردوستانه در جامعه افغانی به شکل خوب آن ایجاد گردیده و در اشکال سنتی، مذهبی و مدرن آن مشهود است. با وجود آنهم، عامل بالقوه بشردوستی تابحال کمتر مورد شناسائی قرار گرفته و توصل به بشردوستی در انکشاف

این سند بعضی اقدامات دقیق جهت حرکت به سوی مساعد ساختن چنین محیط مناسب را مشخص مینماید:

این اقدامات برای جامعه مدنی و موسسات تجاری شامل موارد ذیل میباشد:

- ایجاد مشارکت منظم، تسهیل کننده و همکاری کننده میان شرکای اولیه از طریق ایجاد میکانیزم های اداره وی از قبیل تاسیس یک سازمان اختصاصی جهت تحقق بشردوستی.
- ایجاد اعتماد، شفافیت و جوابگویی از طریق معرفی اعتبار و کیفیت تصدیق ISO و NPO.
- توصل به ارتقای ظرفیت، تحقیق و هماهنگی متمرکز از طریق ایجاد یک سازمان اختصاصی ارتقاء/آموزش ظرفیت و تحقیق.
- نقش مهم حکومت در فراهم کردن زمینه تشویقی و ایجاد یک محیط مساعد مالی و مقرراتی جهت تحقق و رشد مشارکت چندین سکتوری. این باخطری است که نه تنها بشردوستی تحقق یابد و بطور موثر به سوی تلاش انکشافی سوق داده شود، بلکه موسسات تجاری و جامعه مدنی نیز تقویت یابند تا به اهداف عمومی انکشاف اقتصادی و اجتماعی نائل آیند.

سند به پنج بخش تقسیم گردیده است:

- بررسی قضایا و مسائل
- مثالهای دقیق در افغانستان و سطح بین المللی
- پیشنهادات برای مشارکت موسسات تجاری/جامعه مدنی در افغانستان
- مسائلی که باید به آنها رسیدگی صورت گیرد
- پیشنهادات

## 2. شرایط، تعریف ها و مسائل

### وضعیت موجود

از دهه 1980 بدینسو، یک بخش وسیع نهادهای جامعه مدنی استراتژی های اساسی شانرا با درک اینکه کارکردن به تنهایی به جز از اینکه تعداد کم مردم محل از آن نفع ببرند و امید منفعت بیشتر را نمیتوان داشت و همچنان با درک اینکه ابتکارات متکی به خود محلی تنها در صورتی دوام خواهد کرد که نهاد های عامه و خصوصی به یک سیستم حمایتی وسیع تر ارتباط داشته باشند مورد بازرسی مجدد قرار داده اند. در عین زمان، پروسه جهانی شدن اقتصاد با تمرکز بیشتر منابع و نیروی اقتصادی به جامعه تجارتی همراه بود. بنابر هر علتی که است "امروز به بسیاری از نهاد های جامعه مدنی معلوم است که اکثر منابع جهانی از سوی سکتور خصوصی تصاحب گردیده اند" (فلیپس، 2000). این تنها به مسائل اقتصادی نه بلکه به منابع دانش نیز اشاره میکند.

امروز عموماً در پلانهای انکشافی چنین چیزی تشخیص و انعکاس یافته است که انکشاف اجتماعی تنها توسط حکومت صورت گرفته نمیتواند و ایجاب مشارکت وسیع الی بنیاد نهاد های عامه و خصوصی را که شامل تمامی اتباع کشور باشد مینماید. نقش منابع بشردوستی و بشردوستانه بمثابة یک عامل تقویتی در سرمایه گذاری و انکشاف اجتماعی یک حقیقت پذیرفته شده

در سراسر جهان است. عامل بالقوه برای یک سکتور سالم خصوصی بشردوستانه در هر کشور قوی است، حتی بیشتر در جوامع اسلامی.

### شرایط

برای اینکه موسسات تجاری و جامعه مدنی مشترکاً باهم برای انکشاف کار نمایند، حکومت یک ممثل مهم و حیاتی است که درحقیقت ارتباط سه جانبه را در زمینه ایجاد محیط مناسب تشکیل میدهد. یک حکومت میتواند انتخاب نماید که آیا یک فضای خصومت آمیز را حمایت نماید و یا یک فضای که نه تنها برای سازمانهای جامعه مدنی یا موسسات تجاری بلکه برای همکاری فعال میان سازمانهای جامعه مدنی و موسسات تجاری جهت انکشاف موثر نیز ممد باشد. حکومت افغانستان در وضعیت دشواری مبنی بر مرفوع نمودن نیاز مندیها و اجرای وظایف اساسی قرار دارد. بنأ تحکیم اتحاد با و میان موسسات تجاری و جامعه مدنی جهت انکشاف از طریق یک چارچوب پالیسی کمکی مهمتر میگردد. این دوسکتور دارای مشخصات منحصر به خود اند.

**جامعه مدنی در افغانستان** از لحاظ شکل سنتی و مدرن آن بی نظیر و متمایز است.

- **جامعه مدنی سنتی** شامل گروههای مختلف محلی ساکن در جامعه اند که برای انجام کارهای اجتماعی گرد هم میانند. این گروهها بر اساس ارزشهای سنتی، شبه سنتی و شبه مدرن بدور خانواده، قوم، موقعیت یا مسلک اجتماع مینمایند. این اجتماعات شامل شوراها، جرگه ها و شوراهای بزرگان، کمیته های صلح، شوراهای مردمی و انجمن های مسلکی غیررسمی مانند تاجران، سلمان ها و کارگران قالین میباشد.
- **جامعه مدنی مدرن** شامل گروههای مدرن اجتماعی اند که از عقاید غربی کار اجتماعی منشاء میگیرند. تنوع و سیر جامعه مدنی مدرن شامل سازمانهای انتفاعی متقابل مانند سازمانهای مبتنی بر جامعه (روستائی)، سازمانهای قومی و سیاسی، انجمن های مسلکی، اتحادیه های مامورین و تجارتی، کوپراتیف ها، گروههای زنان، جوانان و محصلین، اطافهای تجارت و صنایع، انجمن های تجارتی و سازمانهای انتفاعی عامه مانند سازمانهای غیرحکومتی، سازمانهای خصوصی یا عامه بشردوستانه، سازمانهای مدنی، سازمانهای مدافع و حقوق بشر، سازمانهای تحقیقاتی و مجمع های مختلف همکاری انکشافی بشمول شبکه ها و ائتلاف سازمانهای خدمات اجتماعی.

فرق بین جامعه مدنی سنتی و مدرن بیشتر از لحاظ تفاوتیهای شهری و روستائی منعکس میگردد که شاید با گذشت زمان کمتر بیان گردد. بنابر تبعید و مهاجرت افغانهای مجرب روستائی که در معرض ارزشها و طرز العمل های مدرن قرار گرفتند، شکل کار اجتماعی مدرن و سنتی در حال یکجا شدن است.

در این پروسه، جامعه مدنی سنتی و مدرن که بیشتر بدور "خانواده" و "قبیله" ایجاد میگردد، ساختار های رسمی تر و اشکال خصوصیت جامعه مدنی مدرن را به خود اختیار مینمایند. این حالت تشویق کننده است، چونکه نیرو یا عامل بالقوه جامعه مدنی را بمثابة یک عامل حیاتی و انجن انکشاف اقتصادی و اجتماعی بلند میبرد.

**موسسه تجارتی:** اساس موسسه تجارتی در افغانستان خاص است و سکتور خصوصی عمدتاً متشکل از تاجران و مزارع کوچک زراعتی است. در نتیجه تلاشهای بازسازی در طی چند سال اخیر، خصوصاً در ساحه تعلیم/ارتقای ظرفیت فزاینده زیربنائی و

## افغانستان

اکثر پولی که از سوی افغانهای مقیم خارج فرستاده میشود به خانواده ها داده میشود. یک مقدار پول به کارهای انکشاف اجتماعی نیز داده میشود، اما این کار نهادینه نیست. بسیاری از این کمکها بدون سند بوده و از سوی تاجران موفق ذکور و اناث افغان که در نتیجه تجارت عرض اندام نموده اند صورت میگیرد.

مطالعات موردی ذیل به نمونه های اشاره میکند که از کمک خیریه شخصی یا خانواده گی به یک کمک بشردوستانه مسلکی و تنظیم شده مبدل گشته است.

بنیاد بیات یکی از نمونه های برجسته همچو از شرکت های نهادینه خیریه در کشور است. بخشی از سود این نهاد برای کارهای انکشافی در سراسر کشور سپرده میشود. این نهاد عمدتاً در بخش بازسازی مکاتب و کلینیک های که آسیب دیده اند کار مینماید. یکی از پروژه های بزرگ این بنیاد عبارت از اعمار یک شفاخانه 100 بستر در مزار شریف است که نه تنها آنرا تمویل بلکه آنرا بشکل غیرانتفاعی نیز به پیش میبرد. این شفاخانه با سهولت های مدرن طبی مجهز بوده و خدمات صحتی را برای مردم به پول کمتر فراهم مینماید. در مراسم افتتاح این شفاخانه مقامات حکومتی، شخصیت های سیاسی و بشردوستانه شرکت نموده، علاقمندی و حمایت شانرا از همچو اقدام اجتماعی اعلام نمودند. این بنیاد کتابخانه پوهنتون امریکائی در کابل را نیز تمویل نموده است.

این شرکت بر علاوه سرمایه گذاری بالای سود سهام خویش در بخش انکشافی، سود بزرگی را از افراد خارج از کشور و موسسات تجاری که در ایالات متحده امریکا، پاکستان فعالیت مینمایند و همچنان موسسات تجاری و خیریه محلی به دست میآورد. بیات از طریق امواج تلویزیون آریانای خویش نه تنها در مورد ایجاد اعتماد نسبت به فعالیت های اجتماعی اش به مردم اطلاع میدهد، بلکه در مورد مساعی سائر نهاد های خیریه و پخش پیام های عامه نیز همکاری مینماید. نشرات تلویزیون آریانا به سطح بین المللی پخش میگردد و بطور خاص توجه افغانهای مقیم خارج را به خود جلب کرده است. افغانهای مقیم خارج به تقاضای این بنیاد برای جمع آوری اعانه سخاوتمندانه لیبیک گفتند.

مثال بنیاد بیات اهمیت رسانه ها را در تحقق و آگاهی عامه در مورد کمکهای بشردوستانه نشان میدهد.

از افتتاح شرکت مخابراتی روشن در ماه جولای 2003 بدینسو، کمک به مردم در اولویت این شرکت قرار داشته و خدمات دسترسی به تلیفون همراه یا موبایل، آموزش و فرصت های کاری را برای مردم فراهم نموده است. بر علاوه، بخش برنامه های اجتماعی روشن چهار سکتور انکشافی یعنی تجارت، صحت، رفاه اجتماعی و معارف را شناسائی نموده است. هدف مشارکت و کمکهای مستقیم با این سکتورهای کلیدی عبارت از بهبود بخشیدن کیفیت زنده گی افغانها، کاهش تنگدستی و فراهم نمودن فرصتها برای یک آینده بهتر است. این تلاشها برای بلند بردن نیرو یا عامل بالقوه و ظرفیت انسانی جهت پیشبرد بازسازی در افغانستان نیز کمک خواهد کرد.

اولین فعالیت خیریه یا بشردوستانه روشن متوجه کمک به اطفال بی بضاعت و کارگر و خانواده های آنها در کابل بود. در سال 1995، آشیانه به کمک ابتدائی تری دیس هومس، اولین مرکز خویش را برای اطفال بی بضاعت و کارگر در شهرنو کابل افتتاح نمود که در این مرکز برای اطفال غذا، تعلیمات صحتی و تداوی طبی فراهم میگردد. اکنون آشیانه مراکز خویش را در کابل، مزار شریف و ولایت پروان نیز تاسیس نموده و اخیراً این مراکز

بشری، سکتورهای جدید بمیان آمدند. انتظار میرود که سکتورهای جدید بشمول بانکداری، مخابرات، پروسس غذا و استخراج معادن رشد نمایند. باوجود آنهم نگرانی نه تنها در مورد تجارت خانواده گی وجود دارد بلکه 80 الی 90 درصد از فعالیت اقتصادی غیررسمی اند. سکتور تولیدی که ضعیف اما از سال 2001 بدینسو بهتر شده اند که شامل منسوجات، تولید قالین، اموال چرمی، تولید سنگ نیمه قیمتی معدنی و مرمر و تولید میوه خشک اند. پالیسی ها و اجراءات که به مقصد بلند بردن کمکهای منظم بشردوستانه صورت میگیرد باید دورنمای برجسته اقتصادی افغانستان را مدنظر گرفته و همچنان سکتورهای سنتی و موسسات درحال ظهور تجاری را مورد هدف قرار دهد.

## مجال همکاری

اکثر مردم افغانستان کمک به نیازمندان را جزء مکلفیت دینی و اسلامی شان میدانند و مسلمانان به مساوات اجتماعی که از طریق پرداخت زکات، صدقات، فدیة و غیره صورت میگیرد معتقد اند. اکثراً این کمکها جنبه اعتقادی دارد، اما به علل اجتماعی ارتباط مستقیم دارد. این مطالعه دریافته است که یک هدف عالی برای مسلمانان بشردوست در افغانستان وجود دارد که میتواند عامل رهبری کننده ابتکارات مردم برای انکشاف اجتماعی باشد.

امروز در جامعه افغانستان شناختی مبنی بر اینکه انکشاف اجتماعی تنها مسوولیت حکومت نیست وجود دارد. مکانی برای فعالیت اجتماعی که از سوی اتباع کشور صورت گیرد وجود دارد و نیازمندیهائی برای انکشاف اجتماعی وجود دارد که موسسات تجاری و سازمانهای جامعه مدنی میتوانند مشترکاً به آنها رسیده گی نمایند. محیطی که در آن منابع بشری و سرمایه به ندرت وجود دارد، مهم است تا انکشاف حسن نیت های بشردوستانه موجود بطور موثر بسوی مشارکت موسسات تجاری و مدنی سوق و منسجم گردند. مثالهای بین المللی منفعت های سهمگیری در تلاشهای انکشاف اقتصادی و اجتماعی را به همه فعالین واضحاً نشان میدهد و دروس مهمی را برای مشارکت بر اساس اصول، نیازمندیها و منفعت های متقابل فراهم مینماید. این دروس شامل ذیل اند:

- سازمانهای جامعه مدنی از طریق مشارکت با موسسات تجاری قادر به وسعت دسترسی شان به ساحات گردیده، مهارت ها و اصول جدید را آموخته و نوآوری ها و طریق موثرتر برای انجام ماموریت شان را در میابند. آنها دسترسی مالی بیشتر جهت کمک به برنامه های شان نیز میداشته باشند.
- موسسات تجاری دلایل مختلف برای کاروبار از طریق سازمانهای جامعه مدنی دارند. آنها میتوانند از طریق کمک به فعالیت های اجتماعی یک حسن نیت نسبت به شرکت های شانرا حاصل نمایند و زمانیکه موسسه مسوولیت اجتماعی را به عهده گیرد نیروی کاری صادقانه تر میداشته باشند و میتوانند انگیزه های بشردوستانه شخصی رهبران شانرا ابراز بدارند.
- **موسسات حکومتی**، بمثابه یک عامل ارتباط دهنده در پیشرفت همچو مشارکت ها کمک نموده، منابع بیشتر را جهت انکشاف جلب و مهارت و تجربه برای مسائل انکشاف اجتماعی که میتوانند برای برنامه های خود شان طرح ریزی شده از دیاد بخشد.
- وابستگی سازمان جامعه مدنی-موسسه تجاری برای جوامع افغانی شیوه دیگر رسیده گی به مشکلات جامعه را بدون منتظر ماندن به حکومت فراهم می نماید.

## 3. بررسی قضایا

به کمک روشن و سائر نهاد ها فعالیت خویش را به پیش میبرد. روشن کمکهای خویش را در ساحه فراهم نمودن سوپ برای تغذی اطفال، بلند بردن آموزش صحتی و عهده گیری شامل ساختن تعداد ممکن اطفال به مکتب غرض فراگیری تعلیم متمرکز نموده است. هدف عمده مرکز آشنایانه عبارت از آوردن تغیر و بهبود وضعیت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، فزیک و روانی اطفال آسیب پذیر است. برنامه اجتماعی روشن روی منابع تکنالوژی سرمایه گذاری نموده و سائر شرکای تکنالوژی (مانند سسکو) را جهت یک برنامه جدید طبابت روی خط باهم نزدیک ساخته تا داکتران افغان را با داکتران سائر کشورها جهت مشوره تخصصی و انکشافات جاری مسلکی ارتباط دهد. تعداد مشترکین تلاشهای بشردوستانه و انکشاف اجتماعی روشن همزمان با وسعت خدمات روشن روبه ازدیاد است.

در حالیکه پروژه های پرارزشی وجود دارند که نیاز به کمک دارند، معیارهای را که روشن برای انتخاب پروژه ها تعیین نموده عبارتند از، تشخیص نیازمندیهای که موکلین آنرا تحت پوشش قرار دهد، رسیده گی به ماموریت که در چارچوب اهداف مشخص سکتورها قرار دارند، اهداف واضحاً تعریف شده و قابل ارائه که سود واقعی را برای جوامع مورد نظر تامین مینماید، و یقینی ساختن توانائی جهت نظارت و میزان نتایج و اهداف با در نظر داشت ارزشهای مسوولیت اجتماعی و اخلاقی روشن. هدف کلی روشن عبارت از توصل به تشبثات که آنرا کمک و حمایت مینماید و شریک نمودن تخصص و آموختن از شرکای خویش است.

انجمن زنان تجارت پیشه افغان توسط خانم مینه شیرزوی که بعد از پنج سال اقامت در امریکا بحیث مهاجر به افغانستان برگشت ایجاد گردید. وی بحیث رئیسه این مجمع علاقمندی قوی به رشد زنان از لحاظ اقتصادی و اجتماعی نشان داده که هم بطور انفرادی و هم به نمایندگی از انجمن زنان تجارت پیشه افغان منحیث بخشی از پروسه تحقق بشردوستی در افغانستان کار مینماید. هدف عمده انجمن زنان تجارت پیشه افغان عبارت از کاهش فقر و به دست آوردن منابع بشردوستانه یا خیریه از مراجع ملی و بین المللی است. این انجمن دارای یک شبکه وسیع زنان متشبهت که دارای (بیشتر از 780 عضو میباشد) میباشد و زنان نیازمند را در ارتقای ظرفیت شان جهت آغاز نمودن تجارت همکاری مینماید. همچنان این انجمن تلاش مینماید تا سطح آگاهی در مورد مسائل زنان را بلند ببرد، زنان را توانمند سازد و کار تحقیقاتی را نیز انجام دهد.

یک چند نمونه از کارهای اجتماعی دیگری که بطور پراکنده از سوی افراد و گروههای تجاری غیرشناخته شده صورت گرفته است در ذیل شامل اند. این نمونه ها شاید بطور کامل از آنها نماینده گی ننمایند، اما باز تاب دهنده کمکهای اند که در جریان سروی مستند گردیده و از سوی روزنامه های محلی تائید شده اند.

● گروپ داوی، که چندین مکتب را اعمار و مسجد عیدگاه در کابل را ترمیم نموده است.

● جای الکوزی، دفاتر آن در 52 کشور جهان وجود دارد و به سرعت رشد نموده است. مالک این شرکت از تجارت مقدار کم جای از پاکستان آغاز نموده است. اخیراً شرکت الکوزی همراه با سائر شرکت های بشردوست مانند شرکت (کوکاکولا) حبیب گلزار و نجیب زراب کمکی را به پوهنتون امریکائی کابل ارائه داشته است.

● موسسات تجاری در هرات باهم یکجا گردیده تا کمکهای بشردوستانه را به ولایت هرات فراهم نمایند. این شرکتها با مساعی مشترک حکومت در انکشاف باغ ملت که دارای 25 هکتار زمین است و در قلب شهر موقعیت دارد همکاری نمودند.

به عین شکل، راه ها، کلینکها و مکتب نیز انکشاف یافتند. تاجران تخم های اصلاح شده بذری را جهت انکشاف زراعت در ولایت به زار عین مهیا نمودند.

● کابل تایمز در روزنامه خویش معلومات در مورد ابتکارات بشردوستانه بنیاد بیات، مرکز داوی و غیره در ولایات کابل، کندهار و شهر مزار شریف به چاپ رسانید. این روزنامه در نظر دارد تا یک مکتب را برای افغانها که در آنجا زبان انگلیسی به سویه بلند تدریس گردد تاسیس نماید. این مکتب زمینه آموزش را بطور رایگان مساعد نموده و نیرو زبان شناسی مشمولین را انکشاف خواهد داد.

امثال این موسسات تجاری و انفرادی برای ارائه کمکهای بشردوستانه و انکشافی از یکطرف تشویق کننده بوده و از طرف دیگر نمایانگر یک سلسله خلاه ها و نارسائی ها اند.

#### مشاهدات

مسوولیت اجتماعی شرکت معمولاً نامنظم بوده و توسط یک فیصدی معین سود تمویل نمیگردند. از بررسی مسلکی نیازمندیهای اجتماعی یا از بررسی سازمانهای تطبیق کننده موجود سرچشمه نگرفته و موضوع به عام مردم یا سکتور تجاری بهتر معلوم نیست.

#### تجربه بین المللی

پاراگراف های ذیل یک تعداد از نمونه های شرکت های بشردوستانه موفق بین المللی را همراه با دروس مهمی که از وضعیت افغانستان آموخته اند ارائه میدارد. آنها از کشور های هند، پاکستان، فیلیپین و شرایط مختلف دیگر گرفته شده و مسایل ذیل را توضیح میدارد:

● هدف، میزان و تاثیر کمک نهادینه شده که شرکت میتواند به آن دست یابد

● چطور نیروی سکتور خصوصی برای نوآوری و دانستن اینکه چطور به مشکلات پیچیده انکشاف اجتماعی رسیدگی نماید کمک کرده میتواند

● اینکه ادارات میانجی میتوانند نقش کتلتستی یا ارتباط دهنده را در بسیج ساختن و مسیردهی کمکهای بشردوستانه داشته باشند.

هدف، میزان و تاثیر کمک نهادینه شده شرکت

شرکت کوکاکولا بمثابه یکی از شرکت های بزرگ جهان توانائی و مسوولیت خویش را جهت وارد آوردن تاثیر مثبت در جوامع که در آن فعالیت مینماید بطور جدی ادا مینماید. ابتکارات مسوولیت اجتماعی شرکت کوکاکولای هند که هم به سطح محیط و هم به سطح مردم متمرکز است نمونه های خوب مشارکت تجاری، سازمانهای جامعه مدنی، حکومتی و مردمی برای انکشاف اجتماعی و اقتصادی اند. اولویت ها یکی شامل تعلیم اند، جائیکه پروژه تعلیمات ابتدائی بمنظور نفع بردن اطفال در شهرها و دهات ایجاد میگردد و دیگری آن صحت است، جائیکه شرکای شرکت کوکاکولای هند همراه با سازمانهای جامعه مدنی محلی و حکومتی زمینه دسترسی به خدمات صحتی را از طریق کمپ های منظم صحتی برای مردم بی بضاعت فراهم مینماید. بر علاوه تلاشها برای رسیدن به محلات، شرکت خود را به مسوولیت محیطی از طریق فعالیت های خود شرکت در هند متعهد دانسته است.

کمک شرکت برای پروژه جمع آوری حاصلات للمی در دهات جهت احیای سطح آب و بلند بردن حفظ منابع آب میتواند منحصبت یک نمونه مورد استفاده قرار گیرد. کوکاکولا با اداره مرکزی آبهای زیرزمینی، سازمانهای رفائی و ادارات محلی حکومتی و مردمی مشارکت نموده تا ساختارهای جمع آوری حاصلات للمی را در سراسر کشور درست نمایند. درحالیکه کوکاکولا پروژه را مهیاء نموده و به حیث اداره اصلی تمویل کننده کار مینماید، حکومت محلی و سازمانهای جامعه مدنی ساحات بحرانی را تشخیص داده و اشتراک مردم را بسیج مینمایند. مشارکت با اداره مرکزی آبهای زیرزمینی موجودیت مهارت تخنیکي را تضمین مینماید. کارمندان شرکت کوکاکولا نیز نقش فعالی را برای کمک در هماهنگی پروژه، انتخاب فروشنده گان، تطبیق، حفظ و مراقبت ایفاء مینمایند. پروژه ها طوری طرح میگردد که ایجاب مخارج اضافی حداقل را نموده و ساکنین محل را از آغاز پروژه شامل مینمایند.

مثالهای آن قرار ذیل اند:

- تهار در راجستان یکی از پرفوس ترین و خشک ترین منطقه در جهان است. این منطقه با داشتن بیشتر از یک میلیون نفوس یکی از بزرگترین منطقه مالداري است. شرکت کوکاکولا همراه با بنیاد جال بگرتی پروژه های کنترل آب در این ساحه را از طریق احیای ساختارهای سنتی با شرکت فعال مردم کمک مینماید. مردم محل 25 درصد از مصارف را از طریق کار دواطلبانه و 75 درصد باقیمانده را شرکت کوکاکولا ی هند تامین مینماید.
- در واراناسی این یونت با سازمانهای خدمات ملکی محلی و مردم قریه همدست گردیده تا منابع آبی را تقویت و زمینه دسترسی بهتر به آب آشامیدنی را از طریق ترمیم و پاک کاری چاه های محل، کمک در حفر چاه ها و نصب بمبه های دستی مساعد سازند. به عین شکل، این یونت در وادا و مهاشتر نیز آب آشامیدنی را در جریان فصل خشکسالی تدارک مینمود.

**شرکت مواد نفتی بھارت، هند:** نخستین فعالیت های این شرکت در سال 1986 در قریه ماهول که در مجاورت تصفیه خانه آن در ممبی موقعیت دارد آغاز گردید. ساکنین قریه ماهول مردمان ثروتمند ماهی گیر بودند، اما از ناحیه تعلیم، صحت و سایر ضروریات اساسی به کمک نیاز داشتند. این شرکت حاضر گردید تا این خدمات را دواطلبانه فراهم نماید و اولین موفقیت که این کار رضاکارانه به این شرکت به ارمغان آورد وسعت ابتکارات این شرکت به قریه دومی در کرجات بود. امروز 37 قریه در سراسر هند تحت پوشش قرار گرفته اند. این شامل سرمایه گذاری اساسی و درازمدت در محلات به هدف تقویت خود کفائی میباشد. این شرکت آب آشامیدنی تازه، حفظ الصحه و سهولت های صحی را فراهم مینماید. همچنان این شرکت تمرکز قوی روی بلند بردن سطح عواید از طریق تعلیم، بشمول آموزش حرفوی و نوآوری های زراعتی و همچنان فراهم نمودن کمکهای مالی جهت گشایش مکاتب و کمپ های سواد آموزی برای بزرگسالان مینماید.

چندین عوامل در موفقیت تلاشهای مسوولیت اجتماعی شرکت مواد نفتی بھارت کمک نمود:

- **بسیج و تشویق نمودن موفقانه کارکنان خود شرکت:** اعتمادی به سطح بلند میان شرکت و کارکنان آن وجود داشته که شرکت مواد نفتی بھارت مشارکت به سطح بلند را در فعالیت های اجتماعی خویش تامین مینماید. به کارکنان سهم مساوی در اجرای فعالیت های اجتماعی داده شده و تصامیم شفاف مینمایند. شرکت مواد نفتی بھارت کدرهای مختلف را از منبجران گرفته تا به کارگران بخش های مختلف به اتحادیه های مختلف موفقانه سهم میسازد. کارکنان را همیشه با یاد آوری از موفقیت همکاران تشویق مینماید.

- **فعالیت های مبتنی بر ضرورت:** پروژه های را که مردم محل و یا کارکنان خود شرکت تقاضا مینمایند مورد اجرا قرار میگیرند.

- به سطح جامعه، مردم در تمامی سطوح پلانگذاری سهم مینباشند. مردم مشترکا تصمیم میگیرند. همچنان شرکت مواد نفتی بھارت بر علاوه فعالیت هایش در محلات، یکی از اولین شرکت های در هند بوده که کارکنانی را که از اعتیاد به مواد مخدر رنج میبردند کمک نموده است. یک مشارکت موفقانه درازمدت با مرکز علاج معتادین بنیاد کریپا صورت گرفته است. (بنیاد کریپا یکی از بزرگترین سازمانهای غیرحکومتی در هند بوده و بیماران مصاب به مواد کیمیایی و ایچ آی وی را تداوی مینماید). معتادین که در این مرکز تداوی میگردند سائر اشخاصی را که به مشکل اعتیاد روبه رو اند کمک مینمایند.

فعالیت های انکشاف اجتماعی و رفائی شرکت مواد نفتی پاکستان

به هدف بلند بردن کیفیت زندگی مردمی که در مجاورت ساحه فعالیت این شرکت زندگی مینمایند صورت میگیرد. به همین منظور یک نهاد رفائی از سوی همین شرکت ایجاد گردیده است. خدمات این نهاد به مشوره تمام شرکا، بخصوص مردم محل صورت میگیرد. شفاخانه مجهز ساحوی سو، با یک دواخانه سیار همراه با یک کمپ صحی مجانی در تداوی هزارها مریض نهایت سودمند بوده است. فراهم نمودن ادویه مجانی و اهدای تجهیزات شفاخانه و امبولانس از جمله پلان های منظم این نهاد است. با در نظر داشت نیازمندیهای صحی بیشتر مردم سو، نهاد رفائی شرکت مواد نفتی پاکستان یک شفاخانه 50 بستر را نیز به هزینه 1.66 میلیون دالر امریکائی در ساحه بیشتر از ده هکتار زمین اعمار مینماید.

فراهم نمودن و بهبود سهولت های تعلیمی موازی با برنامه های مراقبت صحی به پیش میرود. مکتب نمونه وی سوو بیشتر از 2700 شاگرد را در دو وقت با فیس بسیار اندک تحت تعلیم قرار میدهد. ساختمان مکتب توسعه یافته و ترمیم گردید. کتاب، فرنیچر و تجهیزات لابراتوار ساینسی برای ادارات مختلف بطور منظم فراهم میگردد. بمنظور تشویق معارف، بورسهای تحصیلی برای شاگردان مستحق فراهم میگردد. بازسازی و ترمیم راه ها و نهرها بطور منظم زمینه دسترسی به ساحات همجوار غرض مرفوع ساختن نیازمندیهای روزمره به کمپیوتر را مساعد میسازد. تهداب گذاری و حفظ و مراقبت پایپ لاین آب و گاز نفع بزرگی برای مردم محل رسانیده است. شرکت مواد نفتی پاکستان چندین مسجد را اعمار و یک تعداد بمبه های دستی را در قریه جات نصب، میدان های بازی برای بگمندن و اسکواش را ایجاد و موثر های اطفانیه را به کمپته های شاروالی اهدا نموده است. پروژه رفائی این شرکت شامل تدارک نمودن یک میلیون گیلن آب روزانه به سوو از طریق پمپ استیشن حیوالی (از مسافه 65 کیلومتر) نزدیک به گدو از طریق یک شبکه توزیع آب 90 کیلومتری میباشد. اعمار یک خط پرواز آهنی و یک تعمیر موثر ترمینل میدان هوائی با تجهیزات لازم زمینه سهولت های سفر هوائی بدون وقفه را مساعد میسازد. شرکت مواد نفتی پاکستان کمکهای اساسی را همه ساله برای ادارات مختلف تعلیمی و صحی ارائه مینماید. یکی از نشانه طرح ماهیت ابتکارات مختلف رفائی این شرکت عبارت از نظرخواهی از مردم محل و پاسخگویی به این نیازمندیها است.

مشاهدات

نمونه های شرکت های مواد نفتی هند و پاکستان میتوانند نمونه قابل تقلید برای سهمگیری استخراج معادن و صنایع افغانستان در انکشاف قریه جات که در ساحه انکشاف و تولید شان قرار دارند باشد.

## نوآوری سکتور خصوصی و چگونگی آن برای انکشاف اجتماعی

در بسیاری از کشورهای جهان، چنین نهاد میانجی بمثابة یک بخش حیاتی در پروسه مشارکت موسسات تجاری/سازمانهای جامعه مدنی تلقی گردیده و این چیزی است که افغانستان آنرا محتاطانه مدنظر گیرد. در بعضی موارد نهاد میانجی از سازمانهای جامعه مدنی که یک مثال آن مرکز خیریه یا بشردوستانه پاکستان است آغاز میگردد. در سائر موارد این نهاد از موسسات تجاری که بهترین مثال آن موسسه انکشاف اجتماعی فلیپین است آغاز میگردد که هر دوی آن در ذیل توضیح میگردد.

**موسسه انکشاف اجتماعی فلیپین** در پاسخ به نا آرامی اجتماعی و رکود اقتصادی از سوی شورای انکشاف اقتصادی، شورای تجاری و انجمن کارهای اجتماعی فلیپین ایجاد گردید. موسسه انکشاف اجتماعی فلیپین یک وسیله نئی است که از طریق آن موسسات تجاری فلیپین میتوانستند وجوه و کمکهای تکنیکی شان را به پروژه ها و برنامه های اجتماعی-اقتصادی در سراسر کشور توزیع و هماهنگ نمایند.

با وجودیکه موسسه انکشاف اجتماعی فلیپین یک برنامه شرکتی است، برنامه آن اساساً روی گروپهای اجتماعی متمرکز بوده و از نمونه انکشاف اجتماعی برای رسیدن به مشتریان اش استفاده مینماید. تعهد این موسسه در قدم اول عبارت از تقویت ایجاد و بهبود سازمانهای اجتماعی محلی مانند کوپراتیف ها، گروپهای بازاریابی، سازمانهای غیرحکومتی به سطح قریه که در ارائه خدمات اجتماعی ذیدخل باشند، ادارات تعلیمی و گروپهای مدنی و مسلکی محلی میباشد. برنامه عواید تولیدی موسسه انکشاف اجتماعی فلیپین که بر اساس قرضه میباشد، عموماً از طریق پرداخت قرضه و کمک تطبیق میگردد. موسسه انکشاف اجتماعی فلیپین خود را قادر به ایفای نقش مهم در راستای کاهش فقر در فلیپین بمثابة یک عامل تجاری میان منتسبین کوچک و نمایندگی های داخلی و خارجی که در یک چارچوب اقتصادی مدرن قرار دارند و اکنون به دسترس مردم بی بضاعت قرار نمیکرد میداند. موسسه انکشاف اجتماعی فلیپین در هر دو نقش یعنی هم بحیث عامل تجاری و هم بحیث قرضه دهنده مستقیم به گروپهای محلی، منابع را که برای مقاصد قرضه دهی به عواید تولیدی اند فراهم مینماید.

فعالیت های توسعه ای شامل برنامه های عواید تولیدی بر اساس قرضه جمع یک سلسله آموزش ها، خدمات مشورتی تخصصی و کمکهای اداری که هدف آن تاسیس موقانه ادارات و ساختارهای اجتماعی در آینده است میباشد و طوری طرح گردیده است که بتواند دوام برنامه را بدون همکاری موسسه انکشاف اجتماعی فلیپین تضمین نماید. موسسه انکشاف اجتماعی فلیپین از سازمانهای غیر حکومتی محلی متمایز است. منابع عمده درآمد آن (67) در صد از شرکت هائیکه عضویت این موسسه را دارند بدست میاید و همچنان (28) درصد از طریق سود قرضه های که به برنامه کاهش فقر پرداخته میشود بدست میاید.

**مرکز بشردوستانه پاکستان** یک سازمان یا نهاد مستقل و غیرانتفاعی کمکی است. این مرکز در ماه اگست 2001 بمقصد پیشبرد و تحقق کمکهای بشردوستانه در پاکستان تاسیس گردید. بر علاوه تحقق کمکهای بشردوستانه که هدف مرکزی این نهاد است، تلاش مینماید تا منابع را از سکتور خصوصی، بخصوص از سکتور شرکت جهت ابتکارات انکشافی بسیج نماید. هدف انجام این کار عبارت از تقویت اجندای کاهش فقر حکومت است. این مرکز خود را در کمکهای بشردوستانه مستقیماً ذیدخل نمیسازد. در عوض راه های تسهیل کردن چنین تلاشها را از طریق خدمات کمکی جستجو مینماید. این خدمات شامل تحقیق عمل، مرور پالیسی و قانونگذاری و استراتژی های متمرکز جهت تامین همکاری پر معنی میان شرکا در عرصه کمکهای بشردوستانه میباشد. شرکای کلیدی عبارتند از شرکت ها و افراد بشردوست یا

تعهد شرکت جانسن و جانسن نسبت به مسوولیت اجتماعی با یک تعداد از ابتکارات اجتماعی بطور نمونه ارائه میگردد. از طریق برنامه های کمکی و تلاش جهانی برای ادای مسوولیت اجتماعی، شرکت جی جی ابتکارات بشردوستانه اش را همراه با مهارت تخنیکی اش در چهار ساحه کلیدی تنظیم مینماید. دسترسی به مراقبت صحتی، صحت اطفال، انکشاف مسلکی، معارف و مسوولیت اجتماعی. شرکت جی جی یک تعداد برنامه ها بشمول شرکت واتسلیا، خدمات رضاکارانه صحتی و برنامه آموزش قابله های روستائی و مرکز سیار مشوره دهی ایدز را تمویل مینماید.

**شرکت انگرو شیمیکل پاکستان** لمتد: این شرکت جایزه CSR آسیا را بخاطر نگرانی برای کتگوری صحتی "پروژه امید" اش که یک عملیات تبلی مدیسن یا طبابت ویدیوئی است و هنر سوم مراقبت صحتی برای مردم بی بضاعت در ایالت سند را فراهم مینماید حاصل نمود. پروژه امید که در ماه اگست 2005 آغاز گردید، مریضان روستائی را از طریق کنفرانس ویدیوئی به یک مرکز فعالیت صحتی که در کراچی است و دکتوران متخصص معاینات اکسری، گراف برقی قلب و سایر معاینات تشخیصیه را به اسرع وقت انجام و بررسی مینماید ارتباط میدهد. این پروژه ساحاتی را که از لحاظ سطح سواد و فقر زیاد عقب مانده اند و به تناسب 1,2915 میلیون نفوس تعدادان دوکتوران در آنجا کمتر اند تحت پوشش قرار میدهد. در این محلات روستائی که صدها کیلومتر دور واقع اند به تعداد 15 متخصص، از متخصصین اطفال گرفته تا به متخصصین قلب، بطور روزمره موجود اند. شرکت انگرو سازمانهای جامعه مدنی را نیز از طریق ابتکارات بشردوستانه کمک مینماید. در سال 2005، کمکهای بشردوستانه انگرو بالغ بر 0.86 میلیون دالر امریکائی گردیده و بطور مجموعی به تعداد بیشتر از 130,000 نفر مستقیماً از آن مستفید گردیدند. تمرکز بالای صحت، معارف و انکشاف زیربنائی همچنان باقیست. این یک نمونه تشویق کننده رسیدگی تجارت سکتوری به حل مشکل اجتماعی است.

### نقش ادارات میانجی

در بسیاری حالات موسسات تجاری در مورد اینکه چگونه کمکهای با ارزش را برای رفاه عامه ارائه بدارند بیخبر یا بی تجربه هستند. در عین زمان، سازمانهای جامعه مدنی با کارکردن مشترک همراهی موسسات تجاری عادت نداشته و بعضاً بالای آنها بد گمان اند.

ضرورت به یک نوع نهاد میانجی گری کننده که فعالیت های ذیل را انجام بدهد وجود دارد.

- کمک در تعلیم دادن موسسات تجاری در مورد CSR و چگونگی تطبیق آن
- کمک به موسسات تجاری جهت تطبیق پالیسی CSR برای خود شرکت شان و یا امکان ترکیب آن با دیگران
- معرفی موسسات تجاری به سازمانهای جامعه مدنی ذیربط
- تحقیق، تصدیق و در صورت لزوم آموزش سازمانهای خدمات ملکی که همکار شایسته با موسسات تجاری باشند
- تنظیم تبلیغات در مورد این مشارکت چندین سکتوری و تشویق این روش ها.

خبرخواه، سازمانهای شهروند، مجتمعات و حکومت. ابتکار مشارکت خصوصی عامه که توسط مرکز بشردوستانه پاکستان تطبیق میگردد، کمکهای بشردوستانه شرکت را برای معارف به هدف بهبود زیربنای فیزیکی مکاتب ابتدائیه حکومتی و بلندبردن دسترسی و کیفیت تعلیمات ابتدائی بسیج مینماید. نه (9) شرکت که رسماً لست گردیده اند یعنی (انگرو، یونی لیفر، شرکت مواد نفتی پاکستان، شرکت بیسکویت انگلیسی، شرکت پتروناس پاکستان، شرکت انکشافی طلوع پاکستان، گروپ دیوان مشتاق و شرکت سمنت تاتا) همه از برنامه سه پی (3Ps) مرکز بشردوستانه پاکستان برای مسپردی کمکهای شرکتی شان در عرصه معارف در ساحات مربوط شان استفاده نموده اند. تا به حال مبلغ 0.88 میلیون دالر امریکائی از طریق ایجاد 74 مکتب ابتدائی حکومتی در ولسوالی های (تاتا، گودکی، کراچی، قمبرشادکود و کشمور) ایالت سند حاصل گردیده است. شرکت های کمک کننده زیربنای فیزیکی و سرمایه انسانی را کمک مینمایند. زیربنای فیزیکی از ارائه خدمات عامه المنفعه از قبیل آب و برق گرفته تا دیوارهای مرزی، تشناب ها و مواد کمکی آموزشی میباشد. سرمایه انسانی شامل استخدام معلمین جدید و ارائه آموزش برای معلمین میباشد.

این یک مثال خوب است که چطور یک سازمان غیرحکومتی و اداره میانجی میتواند کمکهای خویش را جهت حمایت از تلاشهای انکشاف اجتماعی حکومت شکل دهی و بکار اندازد.

#### 4. پیشنهادات برای مشارکت موسسات تجارتي/سازمانهای جامعه مدنی در افغانستان

باجودیکه مثالهای فوق از افغانستان نشان داده است که روش های بشردوستانه تا به امروز وسیعاً نامنظم، پراکنده و غیررسمی باقی مانده اند، در حقیقت فرهنگ کمکهای بشردوستانه گسترده و ریشه عمیق دارد و پیشنهاد مینماید که یک نیرو یا عامل بالقوه برای همکاری و کمک بیشتر موسسه تجارتي جهت انکشاف اجتماعی وجود دارد.

همکاری های موسسه تجارتي-سازمان جامعه مدنی میتواند مشخصاً در ساحات ذیل موفقیت آمیز باشد:

همانطوریکه قسمت زیاد پول موسسه تجارتي از تجارت، مراکز اقتصادی چون مزارشريف، هرات، جلال آباد و بازارهای درحال ظهور کابل بدست میاید، بزرگترین عامل بالقوه آنی اقتصادی برای راه اندازی چنین ابتکارات مشترک در افغانستان را دارد.

سروی/مصاحبه ها و تحلیل مثالهای فوق که در ساحه صورت گرفته اند اجازه میدهد تا تشخیص بیشتر صورت گرفته و ساحات ذیل را که در اولویت قرار دارند برای مداخله موسسه تجارتي/سازمان جامعه مدنی پیشنهاد نمود:

● **صحت و معارف:** بررسی تجارب بین المللی همکاری موسسه تجارتي/سازمان جامعه مدنی نشان میدهد که مداخلات در سکتور صحتی و تعلیمی برتری بیشتر دارد. این مداخلات میتوانند در افغانستان موازی به اهداف جهانی تعلیمات ابتدائی، تعلیمات حرفوی/تخنیکي و مراکز بلندبردن مهارتها توسط موسسات تجارتي ذریبظ تکرار و وسعت یابند. به عین شکل، اهداف کاهش آلام عمومی و محو امراض میتواند از طریق ایجاد سهولت های صحتی رایگان، کمکی یا قیمت کم برآورده گردد.

● **زیربنای فیزیکی جامعه:** در روشنائی زیربنای تخریب شده و فقر گسترده در افغانستان، یکی از ساحاتی که موسسات تجارتي میتوانند کمک نمایند عبارت از انکشاف زیربنا است. بطور مثال

● **انکشاف منابع بشری:** این یک ساحه مهم برای همکاری یا مداخله مشترک است که نشان دهنده موفقیت از طریق بلندبردن ظرفیت و لیاقت، آموزشهای مسلکی و مهارت ها به سطح جهانی است. مثالهای این همکاری شامل صنایع دستی و کلبه سازی در افغانستان است جائیکه موسسات تجارتي و سازمانهای جامعه مدنی مشترکاً همکاری نموده و کارکنان شانرا فعال تر ساخته و به محصولات شان بازار بیشتر پیدا مینماید.

● **محیط زیست:** فرصت های بزرگی برای مساعی مشترک جهت حفظ محیط زیست وجود دارد. مثالهای موفق آن شرکت مواد نفتی و گاز پاکستان است (که مکلف گردید تا یک مقدار از عواید تجارتي اش را برای رفاه اجتماعی از طریق سازمانهای جامعه مدنی بمصرف برساند). معادن و صنایع افغانستان میتواند از این مثال پیروی نماید.

● **برق:** تولید برق یک ساحه دست ناخورده است که هم برای مردم و هم برای موسسه تجارتي سودمند است. با ایجاد دسترسی به برق در این ساحات، موسسه تجارتي خود به خود گزینش جای برای ایجاد کارخانه های تولیدی را که معمولاً خارج از محدوده شهر موقعیت دارد وسعت میدهد. همانطوریکه پروسه انکشاف ادامه پیدا میکند، موسسات تجارتي تولیدی نیز گشایش خواهند یافت.

● **مدافعه و بلندبردن آگاهی:** اکثر کارهای موسسات تجارتي و سازمانهای جامعه مدنی یا اینکه بدون آگاهی به پیش میروند و یا اینکه مثبت ارزیابی نمیگردند، بخاطریکه هر دو از مسائل اعتبار، شفافیت و تصور رنج میبرند. رسانه ها نقش ارزنده را در این راستا بازی نموده و میتوانند یک میکانیزم کمکی برای مشارکت ها باشد.

#### 5. مسائلی که باید به آن رسیدگی شود

بعضی از مسائل ابتدائی در اطراف همکاری موسسه تجارتي-سازمان جامعه مدنی شامل ذیل اند اما محدود به:

عدم اعتماد از سوی موسسه تجارتي و حکومت نسبت به سازمانهای جامعه مدنی نمیشد.

عدم اعتماد متقابل میان تمام فعالین در جامعه خیلی شائع است و ثابت شده است که این عدم اعتماد یکی از موانع عمده همکاری برای هرگونه مساعی انکشافی بوده که نتیجه یک تعداد از عوامل ذیل میباشد:

● **شرایط دشوار فعالیت** اکثر تلاشهای مشترک و انفرادی موسسات تجارتي و سازمانهای جامعه مدنی را به کندی مواجه میسازد.

● **سازمانهای جامعه مدنی سیاسی شده تلقی میگردند،** بخصوص از زمانیکه کمکهای مالی به نهضت مجاهدین از طریق سازمانهای جامعه مدنی صورت میگرفت. این عامل با حقیقتی که سازمانهای جامعه مدنی و موسسات تجارتي وظیفه حکومت را در زمان سقوط آن انجام میداده است یکجا شده و مردم آنها را به اهداف سیاسی مرتبط میدانند.

● **تجارب گذشته** از سازمانهای جامعه مدنی نشان داده است که بسیاری از آنها خود را در ابتدا موسسه خصوصی معرفی نموده که بعداً به کارهای انتفاعی متصل شدند. تا زمانیکه سازمانهای جامعه مدنی تغیر چهره داده و کارهای انتفاعی را انجام دهند،

موسسات تجارتي هيچگاه نخواهند خواست که با آنها مشارکت نمايند.

• در بسيار موارد حکومت فکر ميکند که سازمانهای جامعه مدني در رقابت با آن کار مينمايند، بخصوص از زمانيکه جامعه مدني وظيفه حکومت را در جريان جنگ طولاني، قسميکه قبلا به آن اشاره شد، به عهده گرفته اند. يک مثال شک حکومت نسبت به جامعه مدني عبارت از برخوردی است که ميان وزارت تجارت و تاجران ملی بود که ميخواستند يک گروپ حمايتی را برای سرمايه گذاری تجارتي شان در ورکشاپ مشارکت سکتور خصوصی و جامعه مدني ايجاد نمايند است. اداره تنظيم کننده متهم به جانسپين کردن مفکوره های خارجي در اذهان افغانها گرديد.

• يک قشر وسيع جامعه سازمانهای جامعه مدني را به حيث يک **بازوی اضافی اداری برای ملل متحد و سایر ادارات بين المللی** ميپيوند نسبت به اینکه آنها را به حيث "سازمانهای اصلي جامعه مدني" که مشارکت عامه و سازمان اجتماعی را تقويت ببخشند و يا نمايندگی و مدافع مردم و گروپهای اجتماعی باشد بدانند.

*عدم موجوديت ساختارهای هماهنگ کننده برای همکاری سازمانهای جامعه مدني/موسسات تجارتي و حکومت*

باوجودیکه عرف اعتقاد انفرادی و کمک بشردوستانه از طريق شرکت قوی است و مثالهای متعدد کمکهای بشردوستانه و همکاریها از سوی موسسات تجارتي و جامعه مدني وجود دارد، که نه نوعيت، ميزان و وسعت اين مساعي مستند گرديده. و نه کدام اسنادی در مورد تلاشهای که به روش مدرن مسلکی تنظيم، مسيردهی و يا شکل بندی شده باشد وجود ندارد.

وضيعت بناير نبود يک اداره/سازمان مشخص که خلاه های تمرکز روی تحقق کمکهای بشردوستانه را پر و ارتباط/مشارکت موثر ميان موسسات تجارتي-جامعه مدني را که به نبود چارچوب های دوامدار عمليات اداره وی همراه است ايجاد نمايد پيچيده تر گرديده است. ساختارهای نهادينه شده غرض تحقق همکاری سازمانهای جامعه مدني/موسسات تجارتي ميتواند در آزاد سازی کامل عامل بالقوه کمکهای بشردوستانه به انکشاف در کشور کمک نمايد.

تحقق همکاری بر اساس تعهد متقابل بسوی اهداف مشترک، تامين شفافيت، ايجاد ميکانيزم ها برای گزارش دهی و نظارت و نشان دادن ارائه خدمات ميتواند فضای اعتماد را بين دو سکتور ايجاد نمايد. بر علاوه، زمانيکه مردم اعتماد ميان موسسات تجارتي و سازمانهای جامعه مدني را از طريق مساعي مشترک مشاهده نمايند، جامعه مدني را کمتر به ديد منفي خواهند نگريست. هر دو طرف وسعت نظر را از طريق دسترسي بيشتري به تحقيق و ديدگاه ها مشاهده خواهند کرد. هر دو طرف دسترسي بيشتري به شبکه های دفاعی را تجربه خواهند کرد. چنين همکاری تفاهم را روی مسائل که به ميان ميانند و همچنان گرايش های که منجر به تلاشهای بيشتري انکشافی ميگردد از ديداد مينمايد.

همکاری قوی ميان موسسات تجارتي و سازمانهای جامعه مدني پروسه غلبه بر عدم ثبات مالی و وابستگی به کشور های کمک کننده را نيز کمک خواهد کرد. دوام يک تعداد زياد از سازمانهای جامعه مدني که از طريق وجوه کشور های کمک کننده ايجاد گرديده اند سوال برانگيز است. در صورت عدم ايجاد ظرفيت خودی، احتمال دارد که فعاليتهاي اين سازمانهای جامعه مدني همزمان با قطع کمکهای کشور های کمک کننده متوقف شود. بناً از ديداد سهم منابع محلی بشردوستانه برای انکشاف شرط اوليه برای دوام طولانی سکتور است.

سازمانهای جامعه مدني که تا به امروز در افغانستان فعاليت مينمايند مسوول ارتباطات ضعيف ميان مردم و ادارات محلی اند زیرا تعداد سازمانهای جامعه مدني که با مقامات محلی کار مينمايند بسيار کم است. بناً، چیزی را که ما مشاهده مينمائيم عدم هماهنگی با مقامات محلی که بازيگران عمده اجندای انکشاف اجتماعی اند، ميباشد. اين مشکل بايد در هر چارچوب همکاری که در نظر است موفقانه تطبيق گردد مورد رسيدگی قرار گيرد.

بر علاوه هماهنگی ضعيف بين السکتوری ميان حکومت، موسسات تجارتي و جامعه مدني، هماهنگی در چارچوب جامعه مدني ميان جامعه مدني مدرن و سنتی نيز وجود ندارد. در نتيجه مدرنيزه ساختن اجندای فعلی، جامعه مدني سنتی وسيعاً از نظر باز افزوده است، بخصوص از سوی جامعه بين المللی. تجربه پنج سال گذشته عدم توصل به جامعه مدني سنتی را نشان داده است، چونکه گفته ميشود جامعه مدني سنتی عقب مانده و غير ديموکراتيک است. اين شيوه تعداد وسيع مردم افغان، روستائيان و جامعه مدني سنتی را نادیده گرفته و انگيزه نئی را ايجاد مينمايد که گویا نظر قشر سنتی يا روستائی به مقايسه نظر جامعه مدني مدرن ارزش داده نميشود.

*عدم آگاهی عامه در مورد کار انکشافی سازمانهای جامعه مدني و موسسات تجارتي*

نمايندگی های انکشافی، سازمانهای جامعه مدني و موسسات تجارتي معمولاً اهميت گزارش دهی در مورد ابتکارات بشردوستانه يا اشتراک شان را از طريق رسانه ها جهت آگاهی در مورد فعاليت های شان درک نميکنند. آگاهی بسيار اندکی در مورد تلاشهای موجود بشردوستانه و مساعي ميان سازمانهای جامعه مدني و موسسات تجارتي وجود دارد. سهم مردم در اين تلاشها نيز محدود به نظر ميرسد. رسانه ها ميتوانند نقش بزرگتری را در ايجاد آگاهی، تحقق کمکهای بشردوستانه و آگاهی دادن عامه در باره مساعي و فرصت ها ميان سازمانهای جامعه مدني و موسسات تجارتي ايفاء نمايند. سازمانهای جامعه مدني و موسسات تجارتي ميتوانند اسباب مدرن از قبيل ايجاد وب سايت، نشر گزارش سالانه، نشرو پخش رساله های اطلاعاتی در مورد فعاليت های سرمايه گذاری اجتماعی و دانشن گفت و شنود متقابل در مورد مجمع های سازمانهای جامعه مدني و موسسات تجارتي و غيره را انتخاب نمايند.

**عدم موجوديت اداره منظم تحقيقاتی و ارتقای ظرفيت: اهميت تحقيقات براساس شواهد در هر سکتور متعلق به انکشاف برای تشکيل يک پالیسی آگاه و فراهم کردن يک محيط مناسب ضروری است. مثالهای بين المللی، بخصوص از کشور های همسايه نشان ميدهد که آنها نه تنها اهميت تحقيقات در مورد مسائل مربوط به بشردوستی، آموزش و ارتقای ظرفيت را درک نموده اند، بلکه ادارات مشخص را جهت نیل به اين هدف و پرکردن خلاه ها نيز تاسيس نموده اند. نبود اين زمينه های مساعد کننده در افغانستان يک بلاک لغزنده برای تحقق کمک های بشردوستانه و مساعي ميان سازمانهای جامعه مدني و موسسات تجارتي است.**

*عدم موجوديت يک محيط منسجم مالی و مقرراتی مساعد برای موسسات تجارتي و سازمانهای جامعه مدني*

علی الرغم اینکه حکومت نقش روبه ازدياد کمکی موسسات تجارتي و سازمانهای جامعه مدني را در پروسه انکشاف در اسناد پالیسی خود (مانند استراتژی انکشاف ملی و استراتژی کاهش فقر خویش) مشخص نموده است و حتی با ایشان مشارکت نموده است، اما کارهای زیادی باقی مانده اند که انجام داده شوند. از اینکه امنيت اجتماعی و يا بیمه صحتی در کشور وجود ندارد، کمکهای بشردوستانه ميتواند از طريق مشارکت بمثابة يک منبع برای شبکه های ایمنی تصديق گردد.

حکومت میتواند رسمی ساختن مشارکت های کمکهای بشردوستانه و موسسات تجاری و سازمانهای جامعه مدنی را برای انکشاف اقتصادی و اجتماعی با فراهم نمودن یک چارچوب قانونی و مقرراتی مساعد با در نظر داشتن نکات ذیل تشویق نماید.

- اهمیت گفت و شنود دیموکراتیک، مقررات ایفای نقش منصفانه، ایجاد میکانیسم های ضروری شکایات و سیستم های قضائی
- تائید معیارهای کیفیت و اعتبار با تحقق تصدیق ISO برای موسسات تجاری و تصدیق غیرانتفاعی برای سازمانهای جامعه مدنی
- کاهش مالیه در برابر عواید کشور های کمک کننده/سازمانهای بشردوستانه/موسسات تجاری، کاهش در واردات موتر، ماشین آلات، تجهیزات، نرخ تخصیص زمین و مسائل عام المنفعه برای سازمانهای جامعه مدنی و غیره.
- به رسمیت شناختن تلاشهای بشردوستانه برای مقاصد اجتماعی، بطور مثال، از طریق اعطای جوایز ملی بشردوستانه.

## 6. پیشنهادات

چند پیشنهادی مربوط به موضوع در اینجا عرض بحث های مفیدتر در کنفرانس پیشنهاد میگردد تا در مورد اجراء دقیق در آینده توافق حاصل گردد.

### پیشنهادات برای حکومت

ایجاد یک محیط مناسب از طریق اتخاذ پالیسی های مثبتی بر اجراءات هم برای موسسات تجاری و هم جامعه مدنی. این پالیسی ها مسائلی ذیل را احتوا می نماید:

- **افزودن احکام مالی و مقرراتی در قوانین و فراهم نمودن زمینه های تشویقی** برای سازمانهای جامعه مدنی و موسسات تجاری. این تشویقی ها میتواند شامل کاهش مالیه (از قبیل فراهم نمودن زمین به نرخ ارزان)، موقف کشور های کمک کننده در برابر سازمانهای بشردوستانه (دادن امتیاز در مورد عواید شان)، معاف نمودن موسسات تجاری که کمکهای اجتماعی را فراهم مینمایند از پرداخت مالیات و معاف نمودن سازمانهای جامعه مدنی از پرداخت مالیات در برابر عواید، ماشین آلات، عراده جات، مسائل عام المنفعه و غیره.
- **انکشاف یک چارچوب پالیسی رهنمودی و فعال برای مساعی مشترک (با مشوره شرکا).** بطور مثال، در ابتکار فراهم کردن محیط مناسب در پاکستان، شرکا بعد از یک گفت و شنود وسیع بالای تسوید یک قانون غیرانتفاعی برای حکومت پاکستان در مورد اداره و حمایت سازمانهای جامعه مدنی به توافق رسیدند.
- **برسمیت شناختن کمک:** بطور مثال ایجاد یک سیستم اعطای جایزه، مانند جایزه سالانه خدمات بشردوستانه برای بهترین فرد یا نهاد بشردوستانه. از اینکه موسسات تجاری مسوولیت اجتماعی دارند، این شیوه موسسات تجاری را تشویق خواهد نمود تا شرکت های شانرا رونق دهند.
- **رسمی ساختن جمع آوری و توزیع زکات:** در صورت عدم موجودیت یک سیستم برای زکات که از سوی حکومت رهبری شود، مردم زکات شانرا دواطلبانه محاسبه نموده و آنرا خود شان شخصاً به افراد میدهند. سیستم رسمی جمع آوری و توزیع زکات که از سوی حکومت رهبری میشود در کشور های (پاکستان و

مالیزیا) وجود دارد که میتوان بعنوان مثال به آن اشاره نمود. این میتواند یک منبع مصون برای شبکه غیررسمی محلی باشد و فرصت خوبی را برای مسيردهی زکات به انکشاف اجتماعی از طریق ادارات غیرانتفاعی مساعد سازد.

- **یکجا ساختن وجوه کمکی از سوی نمایندگی های کمک کننده، حکومت و موسسات تجاری** هم میتواند درجائیکه سازمانهای جامعه مدنی یک فیصدی معین پول را برای یک پروژه و نمایندگی های کمک کننده/حکومت/موسسات تجاری حاصل و یا خود را به آن متعهد میدانند مدنظر گیرند، چراکه این شیوه یک سهم گیری مشترک برای پروژه های ابتکار خصوصی را نشان میدهد.

*تقویت فضای اعتماد متقابل میان شرکا از طریق تحقق بخشیدن اداره سالم، شفافیت و حسابدهی.*

حکومت باید مشارکت همه گانی را از طریق یک روش منسجم اداره وی تشویق و تحقق بخشد. مثلاً:

- معرفی قوانینی که موسسات تجاری را جهت اتخاذ روش های مستند سازی و فاش سازی تشویق نماید.

- معرفی و تحقق تضمین کیفیت از طریق تصدیق ISO مربوط به تجارت.

- ایجاد اصول و روشهای مسوولیت اجتماعی شرکت ها که موسسات تجاری باید از آن پیروی نمایند.

- معرفی یک سیستم تصدیق کننده "روش خوب" و قابل اعتبار سازمانهای جامعه مدنی. برنامه تصدیق NPO که توسط مرکز بشردوستانه پاکستان یا شورای فلیپین برای تصدیق سازمانهای غیرحکومتی مورد استفاده قرار گرفت یک مثال موفق و قابل انتقال خواهد بود. این میتواند بر مبنای قواعد سلوکی برای سازمانهای غیرحکومتی در افغانستان باشد تا شرکای قابل اعتبار و موثر برای انکشاف شناسائی و مشارکت ایجاد گردد.

### پیشنهادات برای سازمانهای جامعه مدنی و موسسات تجاری

*ایجاد یک زیربنای اداره جهت تحقق خدمات بشردوستانه.*

تجربه بین المللی نشان داده است که ادارات دایمی اختصاصی برای تحقق و سهل ساختن خدمات موثر بشردوستانه میتواند یک تاثیر مثبت و قوی بالای میزان و تاثیر کمکهای بشردوستانه برای انکشاف داشته باشد. پیشنهاد میگردد که تاسیس ادارات ذیل مدنظر گرفته شود:

- **یک مرکز برای خدمات بشردوستانه** (یا اداره مشابه)، که مساعی تمام عاملین انکشاف خصوصی را مشخص و سازمان دهد، حجم و موثریت خدمات بشردوستانه را بلند ببرد و ارتباطات تسهیل کننده را مهیا و از خدمات که زمینه مساعی مشترک میان موسسات تجاری و سازمانهای جامعه مدنی فراهم مینماید پشتیبانی نماید. مرکز بشردوستانه پاکستان میتواند بحیث یک نمونه مورد آزمایش قرار گیرد. چنین یک سازمان میتواند منابع بزرگ بشردوستانه را در افغانستان بسیج نماید و آنرا به ادارات انتقال دهد، همانطوریکه مرکز بشردوستانه هند یا مرکز بشردوستانه کانادا ویا ادارات معادل آنها در بسیاری کشورها این کار را انجام داده اند. یک روش کلیدی این خواهد بود تا از طریق سازمانها، موسسات تجاری و جامعه مدنی پراکنده کار صورت گیرد، با این شرط که ادارات که از طریق آنها پول انتقال میابد، ادارات قال اعتبار بوده و از شهرت خوب در کشور برخوردار باشند.

## ضمیمه الف: بازیگران، شرکا و مجمع های کلیدی

- اداره بازسازی و محیط زیست افغانستان (اریا) در کابل، جلال آباد، مزار شریف و هرات دفتر دارد. این سازمان خدماتی را در عرصه تحقق بشری در افغانستان انجام داده است و درخواست یک تصدیق را از مرکز بشردوستانه پاکستان نموده است تا بتواند نقش خویش را برجسته تر ساخته و اثر موثر تر ایفاء نماید. موسسه اریا یک شبکه وسیع شوراها را کمک کرده که 150 آن تنها در کابل قرار دارند.
- سائر سازمانهای غیرحکومتی که توانسته اند بحیث شرکای بالقوه فعالیت نمایند عبارتند از دفتر برنامه ملی/اداره احیا و بازسازی و اداره انکشافی افغانستان.
- مجمع جامعه مدنی افغانستان همزمان با توافقات بن در اواخر سال 2001 ایجاد گردید که از جامعه مدنی افغانستان در مجمع سالانه انکشاف اقتصادی افغانستان نمایندگی میکند.
- اداره هماهنگی سازمانهای غیر حکومتی افغانستان در سال 1999 بنیان گذاری گردید و هدف آن ارتقای ظرفیت و هماهنگی فعالیت های سازمانهای غیر حکومتی است. در حال حاضر به تعداد 330 سازمان غیرحکومتی در این اداره ثبت میباشند. عضویت به این اداره تنها به انجمنهای افغانی محدود است. در سالهای 2004 و 2005 این اداره در پروسه هماهنگی تسوید قانون سازمانهای غیر حکومتی یا انجوها و قواعد سلوکی انجوها داخلی سهم گرفت. اداره هماهنگی سازمانهای غیر حکومتی داخلی عضویت شورای بین المللی نمایندگی های رضاکار را داشته و در فعالیت های مجمع جامعه مدنی افغانستان سهم دارد.
- اداره هماهنگی کمکهای بشری افغانستان (اکبر) نمایندگی های ملی و بین المللی است در بر گیرنده گروپ مدافع هر دو هفته باهم ملاقات مینمایند. این اداره یک نقش قوی در تشریح معلومات داشته و دفاتر آن در کابل، جلال آباد و پشاور موقیعت دارد.
- انجمن های تجارتي دیگر نیز وجود دارند که در ایجاد خدمات بشردوستانه کمک مینمایند. مثلا اطاق های تجارت بین المللی افغانستان، اطاق های تجارت افغانستان، فدراسیون زنان تجارت پیشه افغان و انجمن زنان تجارت پیشه افغان.
- یک مثال مشارکت میان موسسات تجارتي، اداره مستقل حکومتی بنام اداره حمایت از سرمایه گذاری یا (آیسا) است. این اداره توانسته است تا مخارج تمام کنفرانس هایش را از طریق تمویل تامین نماید. مخارج یکی از همچو کنفرانس ها 70,000 دالر امریکائی بود. تمویل کننده گان عمده عبارت بودند از شرکت هوائی کام ایر، عزیزی بانک، کابل بانک و زیمنس. نتیجه از تجربه آیسا آموخته شده اینست که مهارت، تماس و ایجاد اعتماد عناصر اساسی برای موفقیت همچو ابتکارات است. درس دیگر دادن ارتقا و برسمیت شناختن موسسات تجارتي را که کار خوب انجام میدهند، میباشد. بسیاری از تاجران کمکهای شانرا تنها از طریق گردهمائی عامه یا کانال های رسانه ها ارائه نموده تا شهرت شان را در اجتماع بلند ببرند. آیسا توانست که عملیات مشترک اش را مثل اداره تجارتي برای انکشاف اجتماعی فلیپین رسمی نماید.

- نهاد ها برای سکتورهای مانند معارف، صحت و برای مردم آسیب پذیر (مانند یتیمان و بیوه زنان) باید تاسیس گردند. نهاد ها میتوانند برنامه های رفائی عامه را که سازمانهای بشردوستانه نیز مطابق توانائی اقتصادی شان کمک کرده بتوانند فراهم نمایند.

- **یک اداره اختصاصی تحقیقاتی، آموزشی و ارتقای ظرفیت، مانند مرکز منابع سازمانهای غیرحکومتی در پاکستان، باید تاسیس گردد.** تحقیقات سیستماتیک در مورد افراد، شرکتهای و نهاد های بشردوستانه پراکنده منجر به اتخاذ پالیسی های بهتر گردیده و در مورد تلاشهای بیشتر برای بسیج ساختن منابع بیشتر محلی جهت انکشاف و غالب آمدن بر وابستگی عاد فعلی به کشورهای کمک کننده آگاهی میدهد.

## پیشنهادات برای حکومت، سازمانهای جامعه مدنی و موسسات تجارتي که باهم مشترکا کار مینمایند

هماهنگی بیشتر و شبکه یابی اداره وی میان شرکای مختلف که از اهمیت اولیه برخوردار بوده باید ایجاد گردد. این شامل چیزهای ذیل است:

- **انکشاف یک چارچوب مقرراتی مناسب که هماهنگی میان مقامات محلی را تشویق نماید.** مثالهای بین المللی نشان میدهد که مساعی مشترک موفق میان موسسات تجارتي و سازمانهای جامعه مدنی همیشه نیاز به حمایت و همکاری مقامات محلی دارد تا پروسه را سهل بسازد. بطور مثال، ادارات حکومتی در ولسوالی به کمکهای بشردوستانه برای برنامه معارف در پاکستان ذیدخل اند. مساعی مشترک سازمانهای جامعه مدنی و موسسات تجارتي، حکومت را نیز باید ذیدخل نماید بخاطریکه بتواند برای تدقیق بیشتر باز باشد و همچنان از تطبیق هر گونه پالیسی که انگیزه سیاسی داشته باشد جلوگیری بعمل آید.

- **آوردن جامعه مدنی سنتی به داخل دایره تلاشهای انکشافی.** سازمانهای جامعه مدنی افغانستان آماده میشوند تا بطور قابل دید با موسسات تجارتي همکاری نموده و آنها را در قابل دید ساختن تلاشهای شان کمک نمایند. بمنظور اینکه سازمانهای جامعه مدنی به این روند فکر نمایند باید یک تغییر نمونه ائی از "جمع آوری اعانه" به "ایجاد مشارکت" نماید و خود را بطور قابل ملاحظه ئی وابسته به موسسات تجارتي و منحرف از مقاصد خود بداند. بمنظور نیل به چنین چیز ارتقای ظرفیت و پلانگذاری استراتژی یک ایجاب مینماید.

- **بلند بردن آگاهی در مورد منفعت ها، طرز العمل ها و پروسه همکاری موسسات تجارتي با جامعه مدنی نیاز به اشتراک تمام شرکا یعنی سکتور تجارتي، جامعه مدنی، پالیسی سازان (بخصوص آنها که در چارچوب قانونی و مقرراتی شامل اند) و تمام جامعه دارد.** جلسات معلوماتی و بلند بردن آگاهی که مردم با سوابق مختلف را گرد هم میاورد، میتواند نظریات و تمرکز جدید را بمیان بیاورد و همچنان روی اینکه گروپهای مختلف در مورد یکدیگر چه تصویری دارند یک تاثیر بگذارد. این جلسات میتواند در بلند بردن ظرفیت سازمانهای جامعه مدنی مبنی بر پرکردن خلاء ها نیز کمک نماید. حضور موسسات تجارتي در این جلسات نه تنها آنها را در آموختن شیوه های موثر مشارکت با سازمانهای جامعه مدنی کمک مینماید، بلکه اعتبار پروسه را با نشان دادن موقف موسسات تجارتي در اجتماع و جامعه مدنی بلند میبرد. رسانه ها میتوانند نقش مهمی را در ایجاد ارتباط میان انجمن های محلی افغان و سکتور های اجتماعی بازی نمایند.

**ضمیمه ب: مشارکت عامه-خصوصی برای معارف- مرکز بشردوستانه پاکستان**

- سیستم ادارات بعد از ظهر: ارتقای ادارات از طریق برنامه مشارکت اجتماعی در پنجاب و همکاری عامه-خصوصی در ایالت شمالغربی سرحد.

- برنامه اتخاذ مکتب/بهبود مکتب (SEF, PCP)

- مکتب اجتماعی

- ارتقای ظرفیت کمیته های مدیریت مکتب، انجمن والدین و معلمین، شورای های مکتب
- مراکز اجتماعی سواد آموزی (با استفاده از سهولت های مکتب) برنامه های توسعه و غنای معارف

- دارالمعلمین

- معلمین دواطلب و سائر افرادی که مهارت ها و اوقات شانرا شریک مینمایند

- افرادی که کمک مالی را جهت زیربنای از دست رفته و مواد آموزشی فراهم مینمایند.

"یک مشارکت عامه-خصوصی به عنوان هرگونه توافق میان حکومت و یک سکتور خصوصی (بشمول سازمانهای جامعه مدنی) که در آن قسماً و یا بطور سنتی فعالیت های عامه توسط سکتور خصوصی اجراء شود تعریف میشود". (سواس، 2000).

معارف اولین ارتباط دهنده برای انکشاف ملی است. علی الرغم اینکه اهمیت بلند ضمیمه آن است، (در بسته های بیشتر پالیسی که از سوی حکومت متوالی پاس گردید انعکاس یافته است)، اداره امور از مطلوبیت خیلی دور است. حکومت فعلی کاملاً درک مینماید که سکتور عامه به تنهایی نمیتواند چالش های بیشمار را که منابع، خدمات و مهارت های لازم را که به مسائل تعلیمی بطور موثر رسیدگی نماید مرفوع نماید. یک درک واضح از جانب حکومت وجود داشته که نقش خود به عنوان فراهم کننده اصلی منابع ارائه تعلیمی و همچنان به عنوان تسهیل کننده سکتور خصوصی و تلاشهای جامعه مدنی را در پاکستان تغییر داده است. مشارکت عامه-خصوصی با گذشت زمان توسعه یافته و تخمین گردیده است که سکتور خصوصی (بشمول سازمانهای غیرانتفاعی) در حدود 0.7 درصد کمک به معارف را فراهم مینمایند.

نقش مرکز بشردوستانه پاکستان در حمایت از ادارات سکتور عامه از طریق مهیا کننده گان خصوصی، بخصوص از طریق اتخاذ کیفیت یک مکتب، بیشتر مورد شناسایی قرار گرفته است. نقش مرکز بشردوستانه پاکستان موثر باقی مانده، سازمانهای غیرحکومتی، کمک کننده گان شرکت ها و ادارات حکومتی و لساوالی را جهت یک مشارکت موثر با مدیریت موثر هزینه و زمان باهم نزدیک میسازد. در ماه جولای 2003، مرکز بشردوستانه پاکستان یک پروژه را تحت نام "مشارکت عامه خصوصی جهت تسهیل کردن کمکهای بشردوستانه برای معارف باکیفیت" آغاز کرد. هدف پروژه ایجاد ارتباط میان سکتور خصوصی مکاتب ابتدائی، نهاد های بشردوستانه و سازمانهای غیرانتفاعی است.

مشارکت عامه خصوصی (سه پی) سه نوع سرمایه گذاری را در بر دارد: سرمایه گذاری بزرگ از سوی حکومت و سکتورهای شرکتی، سرمایه گذاری اجتماعی از سوی جامعه مدنی همراه با سرمایه گذاری تخنیکی و ارتباط دهنده از سوی ادارات مسلکی چون مرکز بشردوستانه پاکستان. مهارت ها و دارائی های هر دو سکتور یعنی عامه و خصوصی جهت ارائه خدمت یا سهولت به سود جامعه مدنی یکجا شده و نیروی رسیدن به نتایج دوامدار انکشافی را چندین برابر میسازد. طرز العمل های اداری با استفاده از توافقنامه های معیاری جهت تسریع پروسه به حداقل میرسد. در عین زمان مشارکت ها در جایی صورت میگیرد که مردم ضرورت را تشخیص و تمایل شان را نسبت به سکتور خصوصی که سرمایه گذار فعال اجتماعی شوند ابراز بدارند. این به یک ارتباط سالم شرکت و مردم مبدل گردیده و فضای حسن نیت شرکت را ایجاد مینماید. مهمتر از همه اینکه این ترتیبات موفقیت درازمدت از طریق توصل به ائتلاف شرکا بشمول مردم ذینفع را در پلانگذاری، تطبیق و نظارت تضمین مینماید.

معمول ترین برنامه های مشارکت عامه خصوصی یا سه پی که از سوی بنیاد های تعلیمی، سازمانهای غیرحکومتی، CBOs، سکتور خصوصی، سکتور شرکتی و غیره ارائه میگردند شامل ذیل اند:

- مدیریت یا اداره قرار دادی مکاتب عامه توسط سازمانهای غیرحکومتی

<sup>1</sup> سیمای کشور (2006). افغانستان، از وبسایت [www.eiu/scheduleonOctober3,2006](http://www.eiu/scheduleonOctober3,2006)